



## بررسی تطبیقی شکل و فرم در مناره شهر گور در فیروزآباد و دو مناره مساجد عباسی (مسجد جامع و مسجد ابودلف در سامرا)

پریسا گل آقائی

دانش آموخته کارشناسی ارشد نقاشی، موسسه آموزش عالی سپهر اصفهان.

Parisa.golaghaei@gmail.com

قاسم میرزایی

دانش آموخته کارشناسی نقاشی، موسسه آموزش عالی سپهر اصفهان.

ghasemmirzaeigh@gmail.com:

### چکیده

شهر گور در فیروزآباد را نخستین پایتخت ساسانیان نامیده‌اند. این شهر واقع در شهرستان فیروزآباد، استان فارس در ایران به دستور اردشیر بابکان بنیاد شد، و از آن پس آن را شهر اردشیرخوره نیز می‌نامیدند. اما به علت انتقال پایتخت ساسانیان به تیسفون، جایگاه سیاسی اردشیرخوره تضعیف شد، بناهای مهم شهر رو زوال رفت. اما در میان این ویرانه‌ها سازه‌ای برج‌مانند با طراحی منحصر به فردی در مرکز شهر دیده می‌شود، که آن را مناره شهر گور یا مناره میلو می‌نامند. در کنار نظریات محققان و باستان‌شناسانی که از این مناره ارائه داده‌اند، دیوالافوا باستان شناس فرانسوی در کتاب به کمک شواهد موجود و ویرانه‌های مناره، آن را بازسازی کرده و طرحی ارائه داده است، که بسیار شبیه به دو مناره عباسی یعنی مناره مسجد جامع و مسجد ابودلف در سامرا در کشور عراق است. که پس از مشاهده این سه مناره، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. بنابراین پرسش اصلی مطرح شده این است که: مناره شهر گور در فیروزآباد و دو مناره مساجد عباسی (مسجد جامع و مسجد ابودلف در سامرا) چه وجوه افتراق و اشتراکی از نظر شکل و فرم دارند؟ بدین ترتیب هدف اصلی این پژوهش بررسی تطبیقی شکل و فرم در مناره شهر گور در فیروزآباد و دو مناره مساجد عباسی (مسجد جامع و مسجد ابودلف در سامرا) است. روش تحقیق از لحاظ ماهیت و روش اجرا، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، بنیادی است. روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه آماری: طرح بازسازی شده از دیوالافوا از مناره شهر گور و مناره‌های مسجد جامع و مسجد ابودلف در سامرا انتخاب شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که: مناره شهر گور و مناره‌های مسجد جامع و ابودلف در سامرا از نظر ظاهری دارای شباهت بوده، به این صورت که هر سه دارای ظاهری حلزونی شکل بوده، دارای پلکان در قسمت خارجی هستند. هر سه مناره بر پایه‌ای مربعی شکل ساخته شده‌اند. همچنین با هر سه مناره حول یک محور مرکزی ساخته شده و از پایین‌ترین تا بالاترین طبقه از ارتفاع هر طبقه کاسته شده است. در هر سه مناره نیز از مصالحی همچون آجر و سنگ و گچ استفاده شده است. اما ارتفاع مناره‌ها با یکدیگر متفاوت است. که به دنبال آن در تعداد طبقات نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. همچنین مناره شهر گور زاویه‌دار بوده اما دو مناره‌ی عباسی بدون زاویه و منحنی‌شکل هستند.

کلیدواژه: مناره، شهر گور، مساجد عباسی، شکل، فرم.

۱- مقدمه

نخستین پایتخت ساسانیان را شهر گور در فیروزآباد که چند ویرانه‌ای بیشتر از آن باقی نمانده، نامیده‌اند. در مرکز این شهر دو بنای بزرگ که یکی از آن‌ها برج‌مانند و دیگری ویرانه‌ای ساخته شده از سنگ‌های پاک‌تراش است. در میان این ویرانه‌ها سازه‌ای



برج مانند با طراحی منحصر به فردی مربوط به دوره ساسانیان در مرکز شهر دیده میشود، که آن را مناره شهر گور یا مناره میلو می نامند. برخی در خصوص این مناره نظریاتش ارائه داده اند، همچون فرصت شیرازی که معتقد است؛ در وسط شهر مناری برپاست که آن «مناره» مربع بوده و تمام از سنگ و گچ ساخته شده است. بعضی از اطراف آن درست و بعضی آن ریخته و قطر پایین منار بیشتر از بالای آن است. همچنین دیوالافوا باستان شناس فرانسوی که برای کاوش های باستان شناسی به ایران سفر کرده بود، با توجه به یک پلکان خارجی، که آثارش هنوز دیده می شود و به رأس برج منتهی می شده یک تصویری از آن طراحی کرده، در واقع شکل مناره قبل از تخریب را بازسازی کرده و در کتاب خود به نام " سفرنامه ی ایران، کلد، و شوش " ارائه داده است. به طوری که بر اساس طرح بازسازی شده از دیوالافوا، مناره شهر گور در فیروز آباد بسیار شبیه به مناره مسجد جامع سامرا و مناره مسجد ابودلف در سامرا است. چرا که آن دو مناره نیز به شکل مارپیچ و یا حلزونی شکل بوده و از مقطعی مربعی شکل آغاز شده و به دور نقطه ای مرکزی به سمت بالا در حرکت بوده و هرچه از پایین ترین نقطه مناره از طریق پلکان خارجی به سمت بالا حرکت میکنیم، عرض مناره ها نیز کاهش یافته و به یک سازه ای که در نقطه ای بالای مناره قرار گرفته میرسیم. بنابراین میتوان هر سه مناره را از نظر شکل و فرم مورد تطبیق و بررسی قرار داد. از این جهت هدف مقاله حاضر بررسی تطبیقی شکل و فرم در مناره شهر گور در فیروز آباد و دو مناره مساجد عباسی (مسجد جامع سامرا و مسجد ابودلف) است. انجام پژوهش حاضر با این هدف ضمن اینکه مخاطب را در شناخت این سه بنای ارزشمند و مناره های پرآوازه ی آن ها یاری می رساند، آن ها را به درک بهتری از معماری و چگونگی اثرگذاری آن ها بر یکدیگر یاری میرساند. به همین سبب این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که؛ مناره شهر گور در فیروز آباد و دو مناره مساجد عباسی (مسجد جامع و مسجد ابودلف در سامرا) چه وجوه افتراق و اشتراکی از نظر شکل و فرم دارند؟ انجام خواهد شد و در پی تحلیل و بررسی تطبیقی مناره ها است.

۲

### ۱-۱- روش پژوهش

روش تحقیق از لحاظ ماهیت و روش اجرا، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، بنیادی است. شیوه جمع آوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه ای است. رویکرد این پژوهش بر اساس کشف تفاوت و تشابه مناره شهر گور در فیروز آباد و دو مناره مساجد عباسی (مسجد جامع سامرا و مسجد ابودلف) بر اساس شکل و فرم آن است. بدین منظور ابتدا به مطالعه شهر گور در فیروز آباد و طرح ازسازی شده ی دیوالافوا از آن مناره و سپس مطالعه مسجد جامع سامرا و مسجد ابودلف در سامرا و مناره های آن ها پرداخته شده و سپس به منظور تحقق اهداف پژوهش بررسی و تحلیل هر یک از مناره ها بر اساس شکل و فرم آن ها انجام شده، و مورد تطبیق قرار داده شده اند، سپس اطلاعات به دست آمده داخل جدولی جایگذاری شده اند. جامعه آماری پژوهش حاضر طرح بازسازی شده از دیوالافوا از مناره شهر گور فیروز آباد در استان فارس در کشور ایران و مناره های مسجد جامع و مسجد ابودلف در سامرا در کشور عراق انتخاب شده است.

### ۱-۲- پیشینه پژوهش

در خصوص هر یک نمونه های آماری پژوهش حاضر تحقیقات معدودی انجام شده است، که به شرح زیر است:

- نادیه ایمانی و همکاران مقاله ای تحت عنوان " بررسی جایگاه شهر گور در دوره ی ساسانیان و چیستی و کارکرد بناهای میانی آن " (۱۳۹۵) با هدف دستیابی به روایتی منطقی درباره ی چگونگی زندگی درون شهر گور در فیروز آباد فارس در دوره ی ساسانی انجام داده اند. آن ها در این مقاله به مطالعه ی نوشته های مورخان و جغرافیدانان دوره ی اسلامی درباره ی این شهر و آثارش پرداخته اند، تا کشف کنند که ساختار کالبدی شهر چگونه بوده و آثار معماری آن در دوره های مختلف چه وضعیتی داشته و به چه نام هایی مشهور بوده اند. نتیجه حاصل از این پژوهش گواه آن است که؛ شهر گور یا اردشیرخوره از نظر سیاسی و دینی جایگاه بسیار مهمی در آغاز دوره ی ساسانیان داشته و تا پایان دوره،



کمابیش جایگاه آیینی خود را حفظ کرده است. با اینکه درباره‌ی بناهای میانی نظرات متناقض بسیاری بیان شده، اما منطقی‌ترین نتیجه‌گیری این است که این دو اثر بخشی از مجموعه‌ای واحد و متمرکز و سلطنتی بوده که پس از فروپاشی ساسانیان به سرعت روبه زوال رفته‌اند.

— اسدالله جودکی عزیزی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان " بررسی و تحلیل تخت نشین شهر گور؛ بنایی نه گنبد با کارکرد تشریفاتی" (۱۳۹۶) بیان کرده‌اند که؛ با وجود انجام پژوهش‌های بسیار درباره این شهر و ساختار فضایی کالبدی آن، هویت برخی از آثار معماری آن همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. یکی از این آثار، بنای موسوم به «تخت‌نشین» است که درباره‌ی کاربری و زمان ساخت آن اظهارنظرهای مختلفی شده است. بنابراین آن‌ها در این مقاله به بررسی و تحلیل این بنا پرداخته‌اند. نتایج بدست آمده اینگونه است که؛ تخت نشین، کاخ و محل بارعام شاه در شهر گور بوده و بعدها این تشریفات مورد توجه المنصور (سده دوم ه.ق) قرار گرفته و آن را در کنار ساختار شهرسازی شهر و معماری درونی آن در ساخت بغداد به خوبی تقلید کرده است.

— ربیع القیسی در مقاله‌ای با عنوان " ملوئیه؛ مناره مسجد جامع سامرا" (۱۳۹۸)، به معرفی و بررسی مناره‌ی مسجد جامع سامرا پرداخته است. و در آن تشریح شکل ظاهری ملوئیه، بیان مراحل ساخت و نمایاندن انواع هنرها و ریزه‌کاری‌ها و جلوه‌های فن معماری اسلامی آن ذکر شده است.

— زهرا پورشعبانین کتابی با عنوان "مناره‌های ملکوت" (۱۴۰۰) نوشته است که در فصل اول این کتاب به بررسی معنانشناسی مناره پرداخته و کارکردها و ویژگی‌های فنی و هنری و تزئینی آن را بیان کرده است. در فصل دوم به معرفی مناره در معماری پیش از اسلام، در فصل سوم به معرفی مناره‌های قرون اولیه اسلامی و در فصل چهارم به بیان جایگاه فکری و مذهبی مناره در معماری اسلامی پرداخته است.

## ۲- شهر گور در فیروزآباد

شهرستان کنونی فیروزآباد در جنوب غربی فارس و حدود صد کیلومتری جنوب شیراز قرار گرفته است. دشت فیروزآباد محصور در میان کوه‌های بلند و از نظر سوق‌الجیشی بسیار مهم بوده و تنها چند معبر قابل دفاع در ارتباط با مناطق مجاور داشته است. بر اساس روایات افسانه‌ای، در روزگار کیانیان در این دشت آبادی یا شهری برپا بوده، اسکندر مقدونی به آنجا آب بسته و آن را ویران ساخته است، سپس اردشیر بابکان، نخستین پادشاه ساسانیان، آب را خشک و شهری نو بنیان کرده است. (ابن بلخی، ۱۳۸۵) بر پایه‌ی روایات تاریخی، پیش از آنکه اردشیر بر پارس مسلط شود، خاندان مهرک در این دشت زندگی می‌کردند. اردشیر پس از غلبه بر آنان، شهری روی آبادی‌ای قدیمی به نام «گور» حدود سال ۲۲۴ میلادی ساخت و آن را «اردشیرخوره» نام نهاد که این شهر، در آغاز حکومت ساسانیان، مرکز ولایتی با همین نام شد. (طبری، ۱۳۸۴) اما از آثار آن شهر وسیع به عللی چون فرسایش طبیعی در گذر زمان، تغییر سلسله‌های حکومتی، و دخالت‌های بشری فقط چند ویرانه باقی مانده است.

### ۱-۲- مناره شهر گور در فیروزآباد

دو بنای بزرگ هنوز در مرکز شهر به چشم می‌خورد، یکی از آن‌ها بنایی است، برج مانند، و دیگری ویرانه‌ای ساخته شده از سنگ‌های پاک‌تراش، که شماری از مورخان به این آثار اشاراتی کوتاه داشته و برخی پژوهشگران کارکرد آن‌ها به شکل گذرا بررسی کرده‌اند:

مسعودی در این خصوص نوشته است: «میان شهر گور بنایی بوده که ایرانیان آن را محترم می‌داشته‌اند و «طربال» نام داشته که مسلمانان آن را ویران کرده‌اند» (مسعودی، ۱۳۸۲). مقدسی، جغرافیدان عرب در قرن چهارم ه.ق، در توصیفی از این شهر نوشته است: «دارای ویژگی‌های نیکو و یک مناره‌ی استوار و زیبا است. با این‌همه، شهری مستحکم نیز است، دژی بلندپایه در





میان دارد. گسترش روستایش به یک مرحله‌ی کوتاه می‌رسد (مقدسی، ۱۳۸۵). ابن بلخی توصیفی با درباره‌ی این شهر و بناهای آن بیان کرده است: «شکل آن مدور است، چنان که دایره‌ی پرگار باشد و در میان شهر، آنجا که مثلاً نقطه‌ی پرگار باشد، دکه‌ی انباشته برآورده است و نام آن «ایران» کرده و عرب آن را «طربال» گویند و بر سر آن دگه‌سای‌ها ساخته و در میانگاه آن گنبدی عظیم برآورده و آن را «گنبد کیرمان» گویند و طول چهار دیوار این گنبد تا زیر قبه‌ی آن هفتاد و پنج گز است و این دیوارها را از سنگ خارا برآورده است و پس قبه‌ی عظیم از آجر بر سر آن نهاده و آب از یک فرسنگ از سر کوه رانده و به فواره بر این سر بالا آورده و دو غدیر است، یکی را «بوم پیر» گویند و دیگری را «بوم جوان» و بر غدیری آتشفشانی کرده است» (ابن بلخی، ۱۳۸۵). در آغاز چهاردهم ه.ق.، حسینی فسایی پس از ذکر توصیفی دقیق از گور، می‌گوید که: «در میان این شهر مناره‌ای پهن و بلند بنا نهاد و بر سر آن مناره، قصری بساخت و نام آن را «ایران» یا «ایوان» گذاشت و به مسافت فرسخی در زیر زمین شترگلوبی ساخته، آب را به قصر بیاورد» (حسینی فسایی، ۱۳۸۲). فرصت شیرازی در توصیف شهر گور اینگونه نوشته است که: «در وسط شهر مناری بوده که الحال برپاست. و آن «منار» مربع است. تمام از سنگ و گچ. بعضی از اطراف آن درست و بعضی آن ریخته و قطر پایین منار بیشتر از بالای آن است. هر ضلعی بازده ذرع است و آن اضلاع کم کم که روبه بالا می‌رود، باریک می‌شود. اما ارتفاع مناره را به آلت هندسه معلوم ساختم، ۳۲ ذرع فی‌الجمله بیشتر است و در دو طرف منار، یعنی سمت شرقی و غربی آن، آثار طاق و رواق است، که مصلق به منار است و معلوم است که از پشت بام آن‌ها بر بالای منار می‌رفته‌اند؛ یعنی به‌طور مارپیچ پله‌ها را بر اطراف منار ساخته بوده‌اند، از جهت بالا رفتن. و هنوز آثار آن پله‌ی مارپیچ باقی است» (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷).

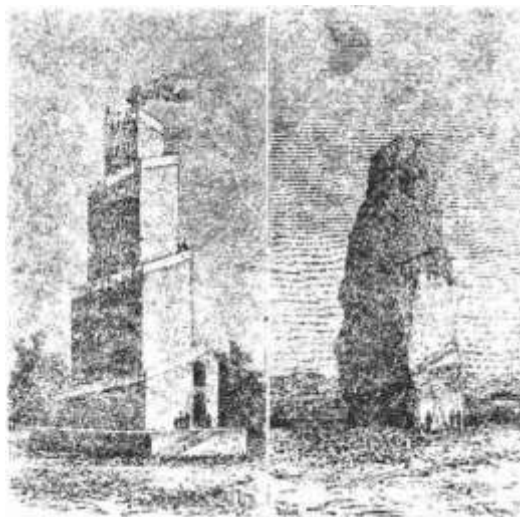
۴

اما در پایان قرن نوزدهم م. دیوالافوا از ویرانه‌های این شهر بازدید کرده و در سفرنامه‌اش آنها را چنین توصیف کرده است: «برداشتن نقشه‌ی این مصطبه‌ی بزرگ قدیمی که قسمت عمده‌ی آن در زیر کلبه‌های دهقانی مستور شده، بسیار مشکل است، اما برای برداشتن نقشه‌ی ساختمان قدیمی که در خارج از دهکده است، مشکلی وجود ندارد. این بنا به‌هیچ وجه شباهتی با بناهای قدیم و جدید ایران ندارد و ترکیب یافته از مصطبه‌ای که روی آن برجی ساخته شده است. ارتفاع این برج کمی بیشتر از بیست و شش متر است. یک پلکان خارجی، که آثارش هنوز دیده می‌شود، به رأس برج منتهی می‌شده است. پله‌ها همه افتاده و مصطبه‌ی وسیع هم تحت تأثیرات جوی و تکان‌های زلزله آسیب زیادی دیده است. ولی وضع عمومی بنا هنوز از شکل اصلی آن حکایت می‌کند» (دیوالافوا، ۱۳۸۵). او در نهایت این سازه را «برج آتشکده» نامیده و آن را شبیه به معابد مطبق بابلی تجسم کرده است و تصویر آن را بازسازی کرده است. (شکل ۱) آندره گدار در توصیف این بنا می‌گوید: «محوطه‌ای دارای سنگ فرش و ابعاد ۶۶/۱۰ در ۸۲/۱۰ وجود دارد، که صفا‌ی در آن قرار گرفته است. روی صفا پایه‌های چهارطاق را تشخیص داده که فضای مربعی با اضلاع ۱۶/۱۰ متری را در برمی‌گرفته و دارای دهانه‌هایی ۱۱ است» (گدار، ۱۳۸۵). وی از تصور گنبدی با این دهانه، در مقایسه با دیگر بناهای ساسانی فیروزآباد و سروستان، متحیر شده و بر اساس نظر گُست، که تکه ستونی را در امامزاده‌ی نزدیک ویرانه یافته و تصویری فرضی از این بنا با چهار ستون در میان و سقف چوبی منتشر کرده، تالاری ستوندار را نیز قابل تصور پنداشته است. (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۵)

به صورت کلی در ذکر ویرانه‌های شهر گور واژه‌هایی چون طربال، ایوان، کیاخوره، و مناره بیشترین تکرار را داشته است. ایمانی و همکاران در خصوص جایگاه شهر گور و اینکه کدام یک از تعبیر برای معرفی این سازه در شهر گور در فیروز آباد مناسب است، اینگونه بیان کرده‌اند که: «مهمترین اشارات این کلمات، از نظر کالبدی، به مفاهیمی چون برج، کوشک، سرا و کاخ بوده است. این مجموعه، کاخی سلطنتی با فضا‌های متعدد بوده که بناهای بررسی شده مهم‌ترین بخش‌های آن به شمار می‌رفته‌اند. در آنجا بنای برج مانند، از یکسو، نقش نماد اقتدار شاهنشاهی ساسانی را ایفا می‌کرده و از سوی دیگر، دارای فضایی در بالای آن بوده که هم امکان حضور حاکم شهر در آن وجود داشته است و هم محافظان می‌توانستند برای نگهبانی و تسلط بر دور دست از آن استفاده کنند. بنابراین، تصور وجود چنین ترکیبی در اینجا غیرمنطقی نیست» (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۵). اما در نهایت سازه شهر



گور در فیروز آباد «مناره» و یا «برج» دارای شباهت بسیاری به مناره مسجد جامع سامرا و مناره مسجد ابودلف در سامرا دارد، که در ادامه به بررسی آن ها پرداخته خواهد شد.



۵

شکل ۱، مناره شهر گور در فیروز آباد و طرح بازسازی شده آن توسط دیوالافوا،  
منبع: (دیوالافوا، ۱۳۸۵).

### ۳- مسجد جامع سامرا

بنای بسیار بزرگ مسجد سامرا یا مسجد متوکل تا قرن‌ها بزرگترین مسجد جهان اسلام محسوب می‌شده است. به دلیل سابقه تاریخی شهر سامرا در عراق مسجد سامرا که به نام‌های «جامع المتوکل» یا «مسجد ملویه» شهرت دارد. یکی از جاذبه‌های معروف عراق محسوب شده که در نزدیکی رود دجله قرار دارد. این مسجد چیزی حدود ۲۰ کیلومتر با شهر بغداد که پایتخت کشور عراق است فاصله دارد و معماری متفاوتش چشم‌های علاقه‌مندان را خیره خواهد کرد. مسجد جامع المتوکل در زمان «متوکل عباس» بین سال‌های ۲۳۴ تا ۲۳۷ ه.ق ساخته شده و از معروف‌ترین آثار دوران حکومت عباسیان به حساب می‌آید. در انتهای شمالی آن مناره‌ای مدور با شیبی مارپیچی از خارج ادامه داشته، تا نوک مناره می‌رسید، که از الگوی برج‌های معابد یا زیگورات‌های آشور باستان پیروی شده بود. گفته می‌شود که خلیفه المتوکل پس از ساخت این مناره از بالاترین قسمت آن به تمام شهر تسلط داشته است.

### ۳-۱- مناره مسجد جامع سامرا

مناره مسجد متوکل سازه‌ای است قائم به ارتفاع ۵۰ متر بر پایه‌ای مربعی در پیرامون که به شکل حلزونی گرداگرد آن می‌پیچد و تا نوک مناره بالا می‌رود. تنده عظیم حلزونی ملویه پس از ۵ دور کامل به عکس عقربه‌های ساعت به کوشک بالا منتهای آن می‌شود، در هر چرخش شیب یک طبقه و در مجموع ۵ طبقه ایجاد شده است و به ارتفاع بیش از ۵۰ متر از سطح زمین می‌رسد. این مناره در فاصله ۲۵/۲۷ متری دیوار شمالی مسجد و تقریباً بر محور میانی آن، که ستونی غیر متصل به دیوار مسجد است، بنا شده است. مناره بر پایه‌ای مربع‌شکل متشکل از دو سکو ساخته شده است؛ سگوی زیرین با طول ضلع ۳۱/۳۰ متر و ارتفاع ۲/۵۰ متر و مزین به ۳۳ طاقچه، شش عدد در طرف روبه‌رو با ضلع شمالی مسجد و در هر یک از سه جهت دیگر نه عدد، قاعده



اساسی بنا را تشکیل می‌دهد. تزئینات هر یک از این طاقچه‌ها، همانند محراب‌های کوچک، تقریباً مستطیل‌شکل، و قوس‌های نوک تیز با ارتفاع ۲/۲۵ متر و عرض ۱ متر و عمق ۵۰ سانتی‌متر است.

اما سکوی دوم که کوچکتر از سکوی زیرین و بر فراز آن واقع است، ۳/۱۰ متر طول ضلع، و ۱/۶۰ متر ارتفاع آن است و جمعاً ارتفاع پایه مناره به ۴/۱۰ متر میرسد. این زیربنا با پایه‌های آجری، که باید گفت بقایای پله‌های شیب‌داری است، که برای صعود به بالای قاعده استفاده می‌شده، به مسجد وصل می‌شود. کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که پلکانی شیب‌دار به طول ۲۵ متر و عرض ۱۲ متر، ساخته شده از آجر، به فاصله ۲/۲۵ متر از دیوار مقابل جهت شمالی مسجد، وجود داشته که رو به بالا شخص را به سطح سکوی فرازین، که ملویه روی آن بنا شده، در جایی که پله حلزونی شروع می‌شود و تا بالای مناره ادامه می‌یابد، می‌رسانده است (قیسی، ۱۳۹۸). بالای زیربنای مناره، بدنه مآذنه برپا داشته شده که سازه‌ای است، متشکل از پنج طبقه که هر چه رو به بالا می‌رود، از وسعت طبقات کاسته می‌شود.

«ارتفاع طبقه زیرین از سمت جنوبی مناره برابر ضلع شمالی جامع ۱۰/۲۰ متر، ارتفاع طبقه دوم ۸/۱۲ متر، ارتفاع طبقه سوم ۸/۸۳ متر، ارتفاع طبقه چهارم ۸/۱۰ متر و اما طبقه پنجم ۵/۴۰ متر است. بر فراز طبقه پنجم طبقه‌های استوانه‌ای شکل به ارتفاع ۵/۴۰ متر با هشت انحنا در اطراف و قوسی‌های نوک‌دار وجود دارد، که به طبع طبیعت دایره‌های این جزء از مناره، حجم‌های متفاوت دارند و عرض آنها بین ۱/۱۰ متر تا ۱/۱۵ متر و ارتفاعشان ۲/۲۵ متر است؛ هر کدام از این قوسی‌ها در میانه چارچوب‌های با ارتفاع ۲/۹۰ متر و عرض حدود ۱/۹۰ متر، بر پایه‌هایی استوانه‌ای شکل که قطر هر یک ۴۰ سانتیمتر است، جای گرفته است» (قیسی، ۱۳۹۸). گرداگرد طبقات مناره، پلکان حلزونی شکل آنها را در بر گرفته که از وسط سمت جنوبی پیکره مناره شروع می‌شود و ۳۹۹ پله دارد. «اندازه هر کدام از پلکان‌ها با توجه به طبیعت شیب پلکان و وضعیت دایره‌ای آن، بین ۲/۵۰ متر در ۵۷ سانتیمتر و ۱/۹۰ متر در ۶۵ سانتیمتر تفاوت می‌کند. این پلکان در نقطه‌ای همسو با جهت جنوبی در بالای مناره، به پایان می‌رسد؛ آنجا که ورودی‌ای سقف‌دار با طاقی از آجر به عرض ۱/۱۰ و ارتفاع ۲/۹۰ متر دیده می‌شود» (همان). این ورودی در یکی از انحنای تعبیه شده در این سمت گشوده شده و به راه‌پله‌ای پرشیب، با ۲۲ پله که در ابتدا مستقیم است و آنگاه مارپیچ می‌شود و در انتهایش به بالاترین نقطه مناره که از پایه اصلی نزدیک ۵۰ متر فاصله دارد، وصل گردیده است.

قیسی درباره سازه‌ی بالای مناره اینگونه نوشته است: «عنصر استوانه‌ای بالای مناره ۸ قوس تیزه‌دار دارد که در قابی کم عمق جا گرفته‌اند. هر قاب نیز روی یک جفت ستون آجری قرار دارد در بخش جنوبی این استوانه درون یک فرونشستگی مدخلی تعبیه شده است و شیب مناره در این نقطه به پایان می‌رسد. این ورودی به پلکانی راه دارد که ابتدا مستقیم و سپس مارپیچی شده به سکوی هدایت می‌شود روی این سکو مناره ۵۰ متر فاصله دارد ۸ سوراخ دیده می‌شود» (قیسی، ۱۳۹۸). زمانی بیان می‌کند که: «مناره مسجد جامع سامرا به لحاظ فرم مارپیچی شکل خود ارتفاع زیاد و قرارگیری در فضای جدا از مسجد شباهت فوق العاده‌ای به برج آتش فیروزآباد فارس دارد» (زمانی، ۱۳۸۱). همچنین به بیان هوگ و مارتن: «فرم این مناره یادآور زیگورات‌های عظیم بین‌النهرینی همانند زیگورات بابل است و سبک معماری قدیم بین‌النهرین را در خاطر مجسم می‌سازد» (هوگ و مارتن، ۱۳۸۵). (شکل ۲)





شکل ۲، مسجد جامع سامرا و مناره آن، منبع:

(<http://samera2.blogfa.com>)

#### ۴- مسجد ابودلف در سامرا

پس از پایان یافتن ساخت بنای مسجد اعظم، متوکل تصمیم گرفت پایتخت را چند میل به سوی شمال شرقی انتقال دهد و کاخی نوین به نام «جعفریه» و مسجدی دیگر به نام «ابودلف» بنا کند، که در حدود ۸۶۰ میلادی ساخته شد. مسجد بر مبنای همان نقشه مسجد سامرا با مناره‌ای شبیه به آن و شیب ماریچی بنا شد، که اندکی کوچکتر از آن دو دیگر بود. مدت زمان کوتاهی از این بناها استفاده شد و امروز هر دو به صورت ویرانه‌های بسیار تاثیرگذارنده موجود است. «مسجد ابودلف، حدود بیست کیلومتری شمال سامرا، واقع است و در سال ۲۴۷ ه. ق، به دستور متوکل، در محل شهر متوکلیه، ساخته شده است. از نظر نما و معماری، تا حدود زیادی، شبیه مسجد جامع سامرا، اما کوچکتر از آن است. ابعاد آن ۲۱۳ در ۱۳۵ متر و دارای پانزده ورودی است» (قیسی، ۱۳۹۸). این مسجد نیز همانند مسجد جامع سامرا، دارای یک مناره کوچکتر از ملویه سامرا است. در واقع مناره‌ی مسجد ابودلف به تقلید از مناره مسجد جامع سامرا ساخته شده است.

##### ۴-۱- مناره مسجد ابودلف

«این مناره بر پایه مربع به ابعاد ۸۷/۱۰ در ۶/۱۰ و ارتفاع ۷/۲ متر بنا شده است. پایه مناره از آجر و گچ ساخته شده و نمای آن با یک ردیف چراغدان آراسته شده است در هر ضلع به جز ضلع جنوبی ۱۳ چراغدان ساخته شده است. در ضلع جنوبی به سبب ایجاد ورودی بالارو حلزونی مناره چراغدان‌ها به ۱۰ عدد محدود می‌شود، ساقه مناره از سطح پایه تا ارتفاع ۲/۱۶ متر بر جای است» (فرنسیس، ۱۹۴۷). «تندۀ عظیم و حلزونی ابودلف به عرض یک متر پس از سه دور کامل به عکس عقربه‌های ساعت به کوشک بالای آن منتهی می‌شود» (هاتشتاین و دیلیس، ۱۳۹۰). بنابراین ارتفاع مناره از سطح پایه تا بخش ویران شده فوقانی به ۱۹ متر می‌رسد یک رواق سرپوشیده به عرض ۵ متر، در شمالی را به پای بالارو مناره متصل می‌سازد. «این رواق جز نقشه اولیه بنا نبوده است و از الحاقات بعدی به شمار می‌رود، زیرا دو جرز شمالی آن در برابر چراغدان‌های کور شده پایه مناره قرار دارد» (فرنسیس، ۱۹۴۷). مصطفوی در خصوص این مناره اینگونه نوشته است که: «مناره جامه ابودلف را باید نمونه کوچکتر معاویه جامع متوکلیه سامرا دانست. مبدا مناره‌های حلزونی با برج‌های ساسانی چون فیروز آباد قرابت بیشتری دارد» (مصطفوی، ۱۳۸۷). (شکل ۳)



شکل ۳، مناره مسجد ابودلف در سامرا،

منبع: (پور شعبانیان، ۱۴۰۰)

۸

### ۵- مقایسه تطبیقی شکل و فرم در مناره شهر گور در فیروزآباد و دو مناره عباسی

مطالعه و بررسی طرح بازسازی شده دیوالافوا از مناره شهر گور در فیروزآباد استان فارس در کشور ایران و مناره مسجد جامع سامرا و مناره مسجد ابودلف در کشور عراق، نشان می دهد که: مناره شهر گور در فیروزآباد دارای شکلی ظاهری حلزونی شکل و پلکان خارجی بوده، و بر پایه‌ای مربعی شکل استوار است. ارتفاع مناره به ۳۰ متر میرسد. تنده عظیم حلزونی شکل زاویه دار پس از ۳ دور به عکس عقربه‌های ساعت به سازه‌ی بالای مناره منتهی میشود. این مناره دارای شعاع دایره درونی ۴۵۰ متر و طول ۹ متر است و در ساخت مناره از خشت و ملات استفاده شده است.

مناره مسجد جامع سامرا با طول ۵۰ متر بر پایه‌ای مربع شکل متشکل از دو سکو ساخته شده است. تنده عظیم حلزونی ملویه پس از ۵ دور کامل به عکس عقربه‌های ساعت به کوشک بالا منتهی آن می‌شود. درواقع این مناره دارای ۵ طبقه و همچنین سازه‌ای استوانه‌ای شکل در بالای خود است، که این سازه نیز دارای ۸ قوس تیزه‌دار است.

مناره مسجد ابودلف نیز که حدود ۴۰۰ سال پس از مناره مسجد جامع سامرا ساخته شده است، دارای خصوصیتی مشابه همچون ظاهری حلزونی شکل است. ارتفاع مناره ابودلف ۱۹ متر بوده و بر پایه‌ای مربع شکل ساخته شده است، که این پایه از آجر و گچ ساخته شده و نمای آن با یک چراغدان آراسته شده است و در هر ضلع به جز ضلع جنوبی ۱۳ چراغدان ساخته شده است. تنده عظیم حلزونی ابودلف پس از ۳ دور کامل به عکس عقربه‌های ساعت به رواق سرپوشیده‌ای به عرض ۵ متر منتهی میشود. وجه اشتراک این مناره‌ها در شکل ظاهری آن‌هاست که هر سه به شکل حلزونی و مارپیچی ساخته شده‌اند. همچنین هر سه مناره حول یک محور مرکزی ساخته شده و از پایین‌ترین تا بالاترین طبقه از ارتفاع هر طبقه کاسته شده است. در هر سه مناره نیز از مصالحی همچون آجر و سنگ و گچ استفاده شده است. اما ارتفاع مناره‌ها با یکدیگر متفاوت است. که به دنبال آن در تعداد طبقات نیز تفاوت‌هایی دیده میشود. همچنین مناره شهر گور زاویه‌دار بوده اما دو مناره‌ی عباسی بدون زاویه و منحنی شکل هستند. با توجه به سال ساخت هر یک از مناره‌ها اینگونه به نظر میرسد اگرچه به نظر برخی دو مناره عباسی تحت تاثیر زیگورات‌های بین‌النهرین است، اما برخی دیگر نیز تاثیر مناره ساسانی (مناره شهر گور فیروزآباد) را بر آن‌ها پررنگ‌تر میدانند.



جدول ۱، مقایسه تطبیقی شکل و فرم در مناره شهر گور در فیروز آباد و دو مناره عباسی، منبع: (نگارنده)

مناره مسجد ابودلف در سامرا	مناره مسجد جامع سامرا	مناره شهر گور در فیروز آباد
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارتفاع مناره ۱۹ متر</li> <li>- دارای پلکان حلزونی شکل.</li> <li>- تنده عظیم حلزونی ابودلف پس از ۳ دور کامل به عکس عقربه‌های ساعت به کوشک بالا منتهای آن می‌شود.</li> <li>- به طور کلی دارای ۳ طبقه</li> <li>- مناره بر پایه‌ای مربع شکل ساخته شده است.</li> <li>- پایه مناره از آجر و گچ ساخته شده و نمای آن با یک ردیف چراغدان آراسته شده است.</li> <li>- در هر ضلع به جز ضلع جنوبی ۱۳ چراغدان ساخته شده است.</li> <li>- رواق سرپوشیده به عرض ۵ متر، در شمالی را به پای بالارو مناره متصل می‌سازد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارتفاع مناره ۵۰ متر</li> <li>- دارای پلکان حلزونی شکل.</li> <li>- تنده عظیم حلزونی ملویه پس از ۵ دور کامل به عکس عقربه‌های ساعت به کوشک بالا منتهای آن می‌شود.</li> <li>- به طور کلی دارای ۵ طبقه</li> <li>- مناره بر پایه‌ای مربع شکل متشکل از دو سکو ساخته شده است.</li> <li>- عنصر استوانه‌های بالای مناره ۸ قوس تیزه‌دار دارد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارتفاع مناره بیش از ۳۰ متر</li> <li>- دارای پلکان حلزونی شکل.</li> <li>- تنده عظیم حلزونی شکل زاویه‌دار پس از ۳ دور به عکس عقربه‌های ساعت به سازه‌ی بالای مناره منتهی می‌شود.</li> <li>- شعاع دایره درونی ۴۵۰ متر است.</li> <li>- دارای طول ۹ متر است.</li> <li>- در ساخت مناره از خشت و ملات استفاده شده است.</li> <li>- این مناره بر پایه‌ای مربع شکل استوار شده است.</li> </ul>



### ۶- نتیجه‌گیری

در اوایل قرن سوم میلادی به دستور اردشیر بابکان شهری واقع در شهرستان فیروزآباد، استان فارس در ایران بنیاد شد. این شهر را شهر گور یا اردشیرخوره نیز می‌نامند. دشت فیروزآباد بستری مناسب برای بنیان نهادن اردشیرخوره بود که طرحی متحدالمرکز و ماندالایی و متناسب با اندیشه‌های شاهنشاه داشت. شهر گور و منطقه‌ی فیروزآباد تا پایان دوره و حتی در آغاز ورود مسلمانان به ایران جایگاه دینی و اقتصادی خود را حفظ کردند، اما چون ساسانیان در میانه‌ی دوره پایتخت حکومتی را به تیسفون منتقل کردند، جایگاه سیاسی اردشیرخوره تضعیف شد، که این ممکن است به زوال بناهای مهم شهر سرعت بیشتری داده باشد. اما در میان این ویرانه‌ها سازه‌ی برج‌مانند با طراحی منحصر به فردی مربوط به دوره ساسانیان در مرکز شهر دیده می‌شود، که آن را مناره شهر گور یا مناره میلو می‌نامند. برخی در خصوص این مناره نظریاتش ارائه داده‌اند، همچون دیوالافوا که باستان‌شناس فرانسوی بود که برای کاوش‌های باستان‌شناسی به ایران سفر کرده بود. و در کتاب خود طرح بازسازی شده مناره شهر گور را ارائه داده است. منطبق با این طرح مناره شهر گور به شکل مارپیچ و حلزونی شکل بوده است، که قسمت‌های خارجی آن تخریب شده است.

با بررسی این تصویر مشابهت و تفاوت‌هایی با دو مناره عباسی یعنی مناره مسجد جامع سامرا و مناره مسجد ابودلف در سامرا بدست آمد. چراکه این دو مسجد که در شهر سامرا واقع در کشور عراق بنا شده‌اند، به شکل حلزونی شکل بوده، که از ارتفاع طبقات آن از پایین به بالا کاسته شده و دارای پلکانی در قسمت خارجی خود هستند. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال که؛ مناره شهر گور در فیروزآباد و دو مناره مساجد عباسی (مسجد جامع و مسجد ابودلف در سامرا) چه وجوه افتراق و اشتراکی از نظر شکل و فرم دارند؟ انجام شد. نتیجه حاصل از این پژوهش گواه آن است که؛

مناره شهر گور و مناره‌های مسجد جامع و ابودلف در سامرا از نظر ظاهری دارای شباهت بوده، به این صورت که هر سه دارای ظاهری حلزونی شکل بوده، دارای پلکان در قسمت خارجی هستند. هر سه مناره بر پایه‌ی مربعی شکل ساخته شده‌اند. همچنین با هر سه مناره حول یک محور مرکزی ساخته شده و از پایین‌ترین تا بالاترین طبقه از ارتفاع هر طبقه کاسته شده است. در هر سه مناره نیز از مصالحی همچون آجر و سنگ و گچ استفاده شده است. اما ارتفاع مناره‌ها با یکدیگر متفاوت است. که به دنبال آن در تعداد طبقات نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. همچنین مناره شهر گور زاویه‌دار بوده، اما دو مناره‌ی عباسی بدون زاویه و منحنی‌شکل هستند. و در نهایت با توجه به سال ساخت هر یک از مناره‌ها اینگونه به نظر می‌رسد که دو مناره عباسی به تقلید از مناره شهر گور ساخته شده‌اند.

### ۷- منابع

- ابن بلخی، ۱۳۸۵، فارسنامه، تصحیح: گای لسترنج، تهران، انتشارات اساطیر.
- ایمانی، نادیه، رحیم‌زاده، محمدرضا و طهماسبی، احسان، بررسی جایگاه شهر گور در دور هی ساسانیان و چیستی و کارکرد بناهای میانی آن، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره یازدهم، دوره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- پورشعبانیان، زهرا، ۱۴۰۰، مناره‌های ملکوت، اصفهان، نشر مهرستان.
- حسینی فسایی، حسن، ۱۳۸۲، فارسنامه‌ی ناصری، جلد دوم، تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- دیوالافوا، ژان، ۱۳۸۵، سفرنامه‌ی ایران، کلد، و شوش، ترجمه: علی محمد فره‌وشی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- زمانی، عباس، مناره و مناره تزئینی در آثار تاریخی اسلام، نشریه هنر و مردم، شماره ۱۲۱، ۱۳۸۱.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۳۸۴، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه: صادق نشئت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر، ۱۳۷۷، آثار عجم، جلد اول، تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- فرنسیس، بشیر و محمودعلی، بشیر، ۱۹۴۷، جامع ابی دلف فی سامراء، مجله سومر.



- قیسی، ربیع، المویه؛ مناره المسجد الجامع فی سامرا، سومر، شماره هفتم، ۱۳۹۸.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۳۸۲، مروج الذهب و معادن الجوه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مصطفوی، محمدتقی، ۱۳۸۷، نگاهی به هنر و معماری ایران، تهران، ناشر: شرکت سهامی سیمان تهران.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۳۸۵، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران، انتشارات کومش.
- هاتشتاین، مارکوس و دیلیس، پیتر، ۱۳۹۰، اسلام و هنر معماری، ویرایش: هرمز ریاحی، تهران، نشر پیکان.
- هوگ، جیمز و مارتن، هنری، ۱۳۸۵، سبک شناسی هنری و معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه: پرویز ورجاوند، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.